

تاریخ شفاهی کتابداری ایران

به کوشش

ابوالفضل نجاری

www.ketab.ir



تاریخ شفاهی کتابداری ایران
به کوشش ابوالفضل نجاری
تهران: نشر کتابدار، ۱۴۰۰
۹۷۴ ص. مصور (مجموعه کتابدار: ۴۲۳)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۱-۲۵۰-۸
۱. تاریخ کتابخانه‌ها - ایران ۲. کتابداری - تاریخ
رده کنگره: ۱۳۹۹ ک ۹ ف ۳۵ / ۲۶۹۹
رده دیویی: ۰۲۵/۳۱۳۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۷۹۴۲۸



www.nashreketabdar.ir
nashreketabdar@gmail.com

تاریخ شفاهی کتابداری ایران
به کوشش ابوالفضل نجاری
طراح جلد: رها محسنی
چاپ اول، ۱۴۰۰، مجموعه کتابدار، ۴۲۳
شمارگان: ۵۰۰ نسخه ۳۰۰ هزار تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۱-۲۵۰-۸
۶۶۴۱۵۵۶۴ و ۶۶۴۱۵۵۶۱
۰۹۱۲۱۸۸۳۵۸۱

فهرست مطالب (به ترتیب تولد مصاحبه‌شدگان)

۷	دیپاچه
۱۷	معرفی مصاحبه‌شدگان (به ترتیب الفبا)
۲۹	بنیادگذاران نخستین گروه کتابداری در ایران
۳۵	گفت‌وگو با فرنگیس امید
۴۵	فهرست‌نگاری و نسخه‌شناسی
	گفت‌وگو با عبدالله انوار
۴۵	کتابخانه سلطنتی
	برگرفته از گفت‌وگوی حبیب لاجوردی با پدری آقابای (کامروز)
۶۵	آرشیو ملی ایران
	گفت‌وگو با سیروس برهام
۱۲۳	آموزش و ترویج خواندن
	لیلی ایمن (آهی)
۱۳۵	نخستین دانشجویان کتابداری در ایران
	گفت‌وگو با پرویز عازم
۱۶۱	کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی
	گفت‌وگو با مهر انگیز حریری
۱۷۹	کتابداری اجتماعی
	گفت‌وگو با نوش‌آفرین انصاری
۲۰۳	آموزش کتابداری در ایران
	گفت‌وگو با محمدحسین دانی
۲۳۱	مرکز خدمات کتابداری و کتابخانه ملی
	گفت‌وگو با ماندانا صدیق بهزادی
۲۵۷	آرشیوهای دیداری - شنیداری
	گفت‌وگو با نورالله مرادی
۳۰۳	ادبیات کودکان و کتابخانه‌های کودک
	گفت‌وگو با زنده یاد ثریا قزل‌ایاغ
۳۳۱	ساختمان کتابخانه ملی
	گفت‌وگو با زهرا شادمان
۳۵۷	دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی
	گفت‌وگو با غلامرضا فدایی عراقی
۳۸۳	کتابخانه ملی پزشکی ایران
	گفت‌وگو با فاطمه (بهار) رها دوست
۴۱۱	کتابداری و نشر
	گفت‌وگو با عبدالحمین آذرنگ

- ۴۵۳ ادغام سازمان اسناد و کتابخانه ملی
گفت‌وگو با سیدحسن شهرستانی
- ۴۷۱ مرکز اسناد و مدارک علمی کشاورزی ایران
گفت‌وگو با نسرین دخت عماد خراسانی
- ۵۰۳ کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
گفت‌وگو با علی میرزایی
- ۵۳۱ نرم‌افزارهای کتابداری (شرکت پارس آذرخش)
گفت‌وگو با مجید جراح
- ۵۴۳ انجمن‌ها و تشکلهای کتابداری
گفت‌وگو با رحمت‌الله فتاحی
- ۵۷۹ مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی
گفت‌وگو با کاظم حافظیان رضوی
- ۶۰۵ نرم‌افزارهای کتابداری (شرکت نوسا)
گفت‌وگو با احمد محمدزاده
- ۶۲۳ فناوری اطلاعات و ماشینین کتابخانه ملی
گفت‌وگو با فریبرز خسروی
- ۶۷۳ کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی
گفت‌وگو با سیدابراهیم عمرانی
- ۷۵۹ تهیه و توزیع منابع پزشکی
گفت‌وگو با محمدرضا علی‌یک
- ۷۷۷ پایگاه‌های اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی در ایران
گفت‌وگو با نادر نقشینه
- ۸۰۳ نرم‌افزارهای کتابداری (شرکت کاوش)
گفت‌وگو با علیرضا مؤذن
- ۸۱۹ نرم‌افزارهای کتابداری (شرکت پیام مشرق)
گفت‌وگو با فرامرز هندسی
- ۸۳۱ انتشارات و ناشران کتابداری
گفت‌وگو با حمید محسنی
- ۸۸۹ نرم‌افزارهای کتابداری (شرکت گنجینه رای‌مهر)
گفت‌وگو با محمود دهقان بنادکی
- ۸۹۹ آموزش نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری در ایران
گفت‌وگو با فریبا افکاری
- ۹۳۹ کتابخانه‌های عمومی و مطالعات خواندن
گفت‌وگو با سیامک محبوب
- پیوست
- ۹۷۳ نامه ایرج افشار به مجله نامه انجمن کتابداران ایران
- ۹۷۵ نمایه

دیباچه

شماری از جامعه‌ها بسیاری از حرفه‌ها و وظایف مرتبط با آن‌ها را درست نمی‌شناسند، که نتیجه آن سردرگمی است؛ هم در انتخاب شغل و انجام وظایف حرفه‌ای و هم در تعامل صاحبان حرف با آن جامعه‌ها. کتابداری یکی از این حرفه‌هاست. اما قصور یا تقصیر از جانب کیست؟ از جانب جامعه، کتابداران، یا هردو؟

شاید علت را باید در سامانه‌های آموزش و پرورش دید که به درستی حرفه‌ها، مشاغل و کارکردها و وظایف‌شان را به کودکان ما معرفی نمی‌کنند. شاید کوتاهی آن دسته از حرفه‌مندان است که منفعت شخصی را به خدمت واقعی، وظایف شغلی و اخلاق حرفه‌ای ترجیح می‌دهند. شاید دانشگاهیان هم بی‌تقصیر نباشند که دانشجویان را با کتابخانه‌ها، نهادهای اطلاع‌رسانی و نقش‌شان در توسعه آموزش، پژوهش، علم، فرهنگ و تحولات جامعه به درستی آشنا نمی‌کنند. به هر حال، کاستی در تفاهم از دشواری‌هایی است که با آن و پیامدهایش دست به گریبانیم. امیدوارم راه تفاهم با پژوهش‌های بیشتر پیدای معرفی شود.

همین نکته‌ها و پرسش‌ها از آغاز تحصیلاتم در رشته کتابداری پزشکی در ۱۳۷۳ ذهنم را درگیر کرده بود و پاسخی برای آن نیافتم؛ استادانم نیز پاسخ متقاعدکننده‌ای نداشتند. به راستی چرا حتی کتابداران بزرگ و بنام ما ناشناخته‌اند، در حالی که از سرشناس‌ترین چهره‌های فرهنگی کشور نیز بوده‌اند؟! اگر جامعه با بزرگان خود چنین کند، پس جایگاه آن جوان علاقه‌مند به کتاب، کتابداری و آماده خدمت به کشور کجاست؟ در این صحنه چه نقش‌هایی را ممکن است به من و همتایانم واگذار کنند؟ و پرسش‌های بسیاری از این دست که هنوز در انتظار پاسخ‌اند.

در ۱۳۷۸ دوره کارشناسی‌ام تمام شد و به جای کتابخانه پزشکی، کتابدار کتابخانه عمومی در یکی از مناطق تهران شدم. در ۱۳۹۵ تصمیم گرفتم تحصیلاتم را ادامه دهم. امیدوار بودم در مقطع بالاتر پاسخ پرسش‌های دیرینه‌ام را بیابم، اما این بار هم آموزش دانشگاهی سرخورده و ناامیدم کرد. فقط این روزنه امید برایم باقی ماند که از فرصت تحقیق پایان‌نامه برای طرح پرسش‌هایم استفاده کنم. این شد که «تاریخ شفاهی کتابداری در ایران»^۱ را انتخاب کردم. جدا

۱. نجاری، ابوالفضل، ۱۳۹۷، *تاریخ شفاهی کتابداری (علم اطلاعات و دانش‌شناسی)*، در *ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران*.

از راهنمایی‌های مرسوم دانشگاهی، به استادی نیاز داشتم که تاریخ‌دان باشد و صاحب قلم و مسائل مرا درک کند تا بتوانم با او رابطه‌ی استاد و شاگردی خوبی برقرار کنم. تنها استادی که در دوره‌ی تحصیل کتابداری، شوق آموختن را در من برانگیخت، عبدالحسین آذرنگ بود، که تاریخ تمدن درس می‌داد. بی آن‌که حضور و غیابی در کار باشد شلوغ‌ترین کلاس درس را داشت. این شد که نزد او رفتم و فکر تدوین «تاریخ شفاهی کتابداری در ایران» را با وی در میان گذاشتم؛ تشویق کرد و گفت لازمه‌ی این کار، گفت‌وگو با همه‌ی استادان کتابداری و کتابداران تأثیرگذار بر روند کتابداری ایران است.

البته منظورم از کتابداری در این‌جا روندی است که جوانه‌ی آن در دهه‌ی ۱۳۱۰ش زده شد، و دو سه دهه‌ی بعد رشد چشمگیری کرد. بانیان و تأثیرگذاران آن کتابدارانی بودند که در ایران و خارج دانش و تجربه‌ی اندوختند و با انگیزه‌ها و هدف‌های مختلف مصمم بودند که کتابخانه‌های ایران را سامان بخشند، البته فضای آرمان‌گرایانه و دیدگاه‌های طرفدار تغییر و توسعه‌ی آن موقع هم بی‌تأثیر نبود.

اگر برگزاری نخستین دوره‌ی کوتاه‌مدت کتابداری در ایران در ۱۳۱۸ را سرآغاز همان روند تازه به شمار آوریم، اکنون (۱۳۹۹) بیش از ۸۰ سال از آغاز روند جدید کتابداری در ایران می‌گذرد. هر چند حرکت آغازین آن تا اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ کند پیش می‌رفت اما پس از تأسیس دوره‌ی کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه تهران، انجمن کتابداران، مجله‌ی انجمن و مراکزی چون مرکز خدمات کتابداری و مرکز مدارک علمی ایران شتاب گرفت.

چرا بر تاریخ شفاهی تأکید کردم؟ پس از مرور آثار مرتبط با تاریخ رشته و این شاخه از فعالیت فرهنگی تأثیرگذار بر سطوح مختلف جامعه متوجه شدم این آثار زنده و گویا نیست و به پرسش‌های فراوانی پاسخ نمی‌دهد. از امتیازهای تاریخ شفاهی بر تاریخ رسمی و مکتوب، همین ویژگی روایی، دست اول بودن، تجربه‌ی مستقیم، ناگفته‌ها و ناشنیده‌هایی است که نخستین بار بیان می‌شود، صدا و تصویر گذشته را برای خواننده بازنمایی می‌کند، و امکان سفر به گذشته را فراهم می‌آورد. آمارها گواه است که مردم، و حتی بسیاری از کتابخوان‌های حرفه‌ای از داستان، خاطرات و روایت‌های تاریخی بیشتر استقبال می‌کنند. در عین حال، تاریخ شفاهی که معمولاً برای ثبت تاریخ معاصر است، به دلیل دوسویه بودن گفت‌وگو، امکان اشتباهات تاریخی راوی یا تاریخ‌نگار را گاه تا حد زیادی کاهش می‌دهد و دانش ضمنی مصاحبه‌شوندگان را ضبط و ثبت می‌کند. از بین رفتن درس‌ها و تجربه‌های گرانبهای کتابداران اثرگذار ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است و آیندگان از آن محروم می‌شوند. این نوع تاریخ را می‌توان تاریخ پنهان هم نامید، زیرا روایت پشت صحنه‌های تاریخ است و معمولاً به سبب ادبیات غیررسمی و خودمانی، گویای حقایقی است که در نوشته‌های رسمی و پژوهشی، نشانی از آن‌ها دیده نمی‌شود. در گفت‌وگوهای همین کتاب حرف‌های ناگفته‌ی بسیاری را خواهید شنید که نخستین بار به زبان

آمده است، و زاویه‌هایی را خواهید دید که اولین بار پرتوی از روشنایی بر آن‌ها تابیده شده است.



کار این کتاب از اواخر ۱۳۹۶ آغاز شد. برای یافتن پژوهش‌های موجود درباره تاریخ کتابداری در ایران، تا حد امکان همه منابع دیده و بررسی شد. پس از بررسی‌ها معلوم شد که تاریخ ۸۰ سال کتابداری ایران را با این منابع نمی‌توان شناخت، مجهولات بر معلومات غالب است و بسیاری از نکته‌ها را باید از زیر آوار خاطرات ناگفته بیرون کشید. کتاب‌گذری و نظری برگزیده، حال و آینده کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران^۱ از معدود منابعی است که از نظر تعداد موضوع و ارائه آمار نگاه جامع‌تری بر کتابداری داشته است. نویسندگان در پنج بخش کتاب به مباحثی مثل «پیدایش و توسعه کتابخانه‌ها و خدمت به مردم»، «روند تحول آموزش، پژوهش و نشر»، «رشد فعالیت‌های حرفه‌ای»، «توسعه فضای مجازی و کاربرد فناوری اطلاعات» و «آینده رشته و حرفه» پرداخته‌اند. کتاب تاریخچه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران^۲ تصویری کلی از تاریخچه آموزش کتابداری در ایران به خواننده ارائه می‌دهد. بخش زیادی از این کتاب مجموعه مقالات و یادداشت‌هایی است که نویسنده در زمان‌های مختلف درباره تصمیمات مهم آموزش کتابداری نوشته و در نشریات مختلف منتشر شده است. مجموعه نسبتاً مفصلی هم از سوی بخش تاریخ شفاهی کتابخانه ملی منتشر شده که حاصل گفت‌وگو با تنی چند از پیش‌کسوتان کتابداری در ایران است؛ شامل پوری سلطانی،^۳

۱. فتاحی، رحمت‌الله؛ رجبعلی‌بگلو، رضا؛ سادات‌آخشیکی، سمیه (۱۳۹۳). گذری و نظری برگزیده، حال و آینده کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران: نگاهی به شکل‌گیری دستاوردها و چالش‌های توسعه علم/اطلاعات و دانش‌شناسی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهشی، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری؛ شیراز: نامه‌ی پارسی.

۲. دیانی، محمدحسین (۱۳۹۰). تاریخچه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای.

۳. سلطانی، پوری (۱۳۹۸). سرو سربلند: مصاحبه تاریخ شفاهی با پوری سلطانی، «مادر کتابداری نوین ایران»/ مصاحبه، تدوین و تحقیق پیمان صالحی؛ [برای] سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده اسناد. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ویراست ۲.

نوش آفرین انصاری،^۱ ثریا قزل‌ایاغ،^۲ عباس حری^۳ و کامران فانی،^۴ که جداگانه منتشر شده است. تحصیلات مصاحبه‌کننده مجموعه فوق در رشته کتابداری نبود و تمرکز پرسش‌ها بیشتر بر زندگی شخصی افراد بود. و نه موضوع‌ها و جنبه‌های حرفه‌ای. افزون بر این، سال‌ها از تاریخ نشر این آثار گذشته، و پرسش‌های تازه بسیاری به میان آمده است. گرچه دفتر عمر برخی از پیش‌کسوتان نامدار پایان یافته است، اما کارنامه فعالیت حرفه‌ای و آثارشان همچنان باز و زنده است و به بازاندیشی نیاز دارد، و البته شاید اکنون می‌توان به‌دور از تعارف‌های مرسوم، از نقش، خدمات و احیاناً خطاها یا کاستی‌هایشان در فعالیت‌های حرفه‌ای سخن گفت.

بررسی گسترده تک‌تک پایان‌نامه‌های کتابداری نشان داد که پوشش زمانی بیشتر آن‌ها دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ است، و پژوهش‌های تاریخی آن‌ها محدود می‌شود به منابع موجود در: آرشیو یا سازمان اسناد ایران، مراکز یا کتابخانه‌های خاص، متون کتابداری، فهرست‌ها، کتابشناسی‌ها و درباره موضوع‌هایی مانند خدمات فنی، کتابنامه‌نگاری، کلیات نظری درباره نشر و کتاب در ایران، خط، تذهیب، جلدسازی و صحافی در ایران، زندگینامه شماری از کتابداران ایرانی یا خارجی، آموزش کتابداری در ایران، انجمن کتابداران ایران، و نظایر آن. پایان‌نامه‌های مرتبط با آموزش کتابداری هم بیش از دیگر موضوع‌ها مد نظر قرار گرفته، و به آن‌ها استناد شده است. اغلب مقالات مرتبط با تاریخ کتابداری از دل همین پایان‌نامه‌ها بیرون آمده‌اند.

بیشترین دغدغه تاریخ کتابداری در معنای گسترده کلمه در آثار شادروان استاد ایرج افشار دیده می‌شود. مقاله‌های «یادی از گذشته در راه کتابداری و کتابشناسی»،^۵ «موج نو در

۱. انصاری، نوش‌آفرین (۱۳۹۶). ستاره فروزان: مصاحبه تاریخ شفاهی با نوش‌آفرین انصاری / مصاحبه، تحقیق و تدوین پیمان صالحی؛ ویراستار آرزو تجلی؛ [به سفارش] پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۲. قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۹۶). دل‌سپرده به کودکان: مصاحبه تاریخ شفاهی با ثریا قزل‌ایاغ / مصاحبه و تدوین و تحقیق پیمان صالحی؛ ویراستار آرزو تجلی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۳. حری، عباس (۱۳۹۵). در دانش: مصاحبه تاریخ شفاهی با دکتر عباس حری / مصاحبه، تدوین و تحقیق پیمان صالحی؛ [به سفارش] سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده اسناد. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۴. فانی، کامران (۱۳۹۷). شمع خرد: مصاحبه تاریخ شفاهی با کامران فانی / مصاحبه، تدوین و تحقیق پیمان صالحی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ویراست ۲.

۵. افشار، ایرج (۱۳۸۷). یادی از گذشته در راه کتابداری و کتابشناسی. گیلان ما، سال ۸، ش پیاپی ۳۱، ص ۱۵-۲۰.

کتابداری و دریای سنت»^۱ و «کتابداری در کتابخانه‌های قدیم ایران»^۲ همه شواهدی بر نگاه جامع و هوشمندانه او با توجه به جنبه‌های فرهنگی و ایران‌شناختی و تاریخ‌نگاری مستند و مصون نگاه داشتن اطلاعات نامکتوب از خطر فراموشی است. وی تاریخ کتابداری را صرفاً به آموزش آن در دانشگاه محدود نمی‌کرد. به مباحثی چون تاریخ علم، قلم، خط و کتابت، کاغذ، مطبوعات، کتاب، چاپ، نشر، صحافی، جلدسازی، کتابفروشی، پخش کتاب، قرائت‌خانه و کتابخانه و نظایر آن توجه داشت و همواره از دیدگاه گسترده‌تری به مباحث کتاب و کتابداری می‌نگریست. از این منظر استاد ایرج افشار آثار فراوانی دارد و کتابشناسی ویژه‌ای هم از آثار وی منتشر شده است.^۳ در واقع جامع‌نگری، عمق نگاه و وسعت آثارش، او را به فردی ماندگار در تاریخ کتابداری تبدیل کرده است. بازتابی از این نگرش را در آثار فراوان عبدالحسین آذرنگ می‌توان دید، که متعلق به نسل پس از استاد افشار است. آذرنگ از جمله کسانی است که به میراث او توجه داشته و کوشیده است حق این استاد پیش‌کسوت، ایران‌شناس بزرگ، اطلاع‌رسان بی‌مانند، و هم‌تایان او در هیاهوی کتابداران بی‌اعتنا به فرهنگ ملی مخدوش و فراموش نشود.

جدا از آثاری که مستقیم یا غیرمستقیم به گذشته کتابداری پرداخته‌اند، اسناد، پایان‌نامه‌ها، خبرها، نامه‌ها، عکس‌ها، مقالات، کتاب‌ها و مجلات کتابداری (از زمان تأسیس قرائتخانه‌ها در دوران مظفرالدین‌شاه قاجار و کتابخانه ملی در دوره پهلوی اول، یا حتی از زمان نخستین کتابخانه‌ها در ایران تا به امروز) همگی اسناد تاریخ کتابداری به‌شمار می‌روند که در کتابخانه‌ها و مراکز مختلف پراکنده‌اند. این پراکندگی و نابسامانی اقتضا می‌کند آرشیوی مستقل برای آن‌ها ایجاد شود. این آرشیو علاوه بر تسهیل دسترسی به اطلاعات برای پژوهشگران، به گروه‌های برنامه‌ریز و نهادهای سیاست‌گذار کتابداری نیز کمک می‌کند.

کتابداری را دروازه ورود به علوم هم تعریف کرده‌اند و بر پایه این تعریف می‌توان گفت که به قدر نقش، جایگاه و تأثیرهای گسترده‌اش در دانش‌پراکنی، آگاهی‌سازی، توسعه علمی و فرهنگی و معرفتی، به تاریخ و تحول آن توجه نشده و در آموزش‌ها و پژوهش‌های کتابداری ما بازتاب درخور نداشته است.

در مسیر جست‌وجو، به منابع مرجع اصلی، نمایه‌ها و کتابشناسی‌ها مراجعه کردم و متوجه

۱. افشار، ایرج (۱۳۵۴). موج نو در کتابداری و دریای سنت. نامه انجمن کتابداران ایران، ش ۳۲، ص ۴۷۶-۴۸۴

۲. افشار، ایرج (۱۳۵۳). کتابداری در کتابخانه‌های قدیم ایران. مجله بررسی‌های تاریخی. سال ۹ ش ۲، ص ۱۵۱-۱۷۰.

۳. عظیمی، میلاد (۱۳۹۶). کتابشناسی موضوعی - تاریخی از چاپکرده‌ها و نوشته‌های ایرج افشار (منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۲۳). تهران: خانه کتاب، ۲۷۹۶ ص.

شدم که بسیاری از موضوع‌ها و تاریخ‌شان مغفول مانده است؛ آثاری هم که در این مباحث منتشر شده‌اند، یا غیربومی‌اند یا فاقد نگاهی تاریخ‌گرا که ناظر بر تحولات، چگونگی و علت‌های آن‌ها باشد. از این رو، کوشیدم در حد توان به برخی از آن‌ها بپردازم. این موضوع‌ها عبارت بودند از: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سازماندهی کتابخانه‌ها، تاریخ ساختمان و معماری کتابخانه‌ها، مجموعه‌سازی و تهیه منابع، تجهیزات و لوازم، فهرست‌نویسی و سازماندهی مواد، خدمات عمومی در کتابخانه‌های مختلف، انگیزه‌های انتخاب رشته و شغل، اطلاع‌رسانی، سندداری (دکوماتاسیون)، نرم‌افزارهای کتابداری، پایگاه‌های اطلاعاتی، نام رشته و حرفه، نشریه‌شناسی و بخش نشریات، کتابخانه‌های دانشگاهی، کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های تخصصی، کتابخانه‌های خصوصی، کتابخانه‌های کودک، کتابخانه‌های آموزشگاهی، کتابخانه‌های منطقه‌ای، کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی، کتابداری و اطلاع‌رسانی کشاورزی، انتشارات و منابع کتابداری، نشر و کتابداری، کتابداری در شهرهای ایران، حضور زنان در کتابداری، رجال سیاسی تأثیرگذار در کتابداری، قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، ضوابط و مصوبات کتابداری در ایران، کتابداران خارجی در ایران، نسخه‌شناسی در کتابداری، دانشکده کتابداری، و بسیاری مطالعات موردی درباره مراکز اطلاع‌رسانی و کتابداری، و نظایر آن. با این حال، تأکید می‌کنم که هنوز موضوع‌های بسیاری هست که به ذهن من نرسیده است و امیدوارم نسل جوان، باانگیزه و پرتکاپو بتوانند پرسش‌های پاسخ نیافته مرا به اطلاعات نویافته تبدیل کنند و در اختیار همگان بگذارند.

*

پس از شناخت موضوع‌های اصلی، باید افراد مناسب برای گفت‌وگو شناسایی و انتخاب می‌شدند. این کار به ضوابط و معیارهای دقیقی نیاز داشت. مشورت با چند تن از بزرگان رشته راه را برایم هموار کرد.

معیار نخست «سن مفید» افراد بود، کسانی که رویدادهای مهم را به چشم دیده باشند و تجربه‌های آن‌ها مستقیم و دست اول باشد.

معیار بعدی «تأثیرگذاری» آن‌هاست؛ این جنبه را با مسئولیت‌ها و آثار مکتوب‌شان در موضوع گفت‌وگو سنجیدم. البته ممکن است بسیاری از کتابداران نقش‌های مهمی در رشته و حرفه ایفا کرده باشند و تأثیرگذار هم بوده‌اند، ولی چون آثارشان منتشر نشده است و کارهایشان را عرضه نکرده‌اند، لاجرم به عرصه تاریخ مکتوب راه نیافته‌اند، جامعه از دستاوردهایشان بی‌خبر مانده است، یا راهی برای گفت‌وگو با آنان یافته نشده است.

معیار دیگر، اطمینان به «صداقت، صحت و دقت» گفته‌های مصاحبه‌شوندگان بود. از این رو سعی شد در مواردی تنها به یک رأی و نظر قناعت نشود، گفته‌ها با واقعیت‌ها و روایت‌های دیگر مقایسه شود. اصل را باید بر ثبت داده‌ها و گفته‌های افراد گذاشت، اما بسیاری از نکته‌ها

را باید از زبان‌های مختلف شنید، از زاویه‌های مختلف دید تا حقیقت مخدوش نشود. طبیعی است که برخی از مصاحبه‌شوندگان برداشتها و تفسیرهای متفاوتی از رویدادها دارند. این تفاوت‌ها را باید نشان داد تا نقد و بررسی‌ها حقیقت را آشکار کند.

موضوعی بودن گفت‌وگوها و انتخاب یک موضوع برای هر گفت‌وگو، به معنای محدود کردن گفت‌وگو درباره آن موضوع و نادیده گرفتن دیگر تجربه‌های مصاحبه‌شونده نیست، بلکه تأکید بر موضوع و متمایز کردن گفت‌وگو از دیگر گفت‌وگوها بوده است. در برخی گفت‌وگوها فقط بر یک موضوع تمرکز شده، و علت آن علاقه مصاحبه‌شونده به محور کردن موضوع بوده است، و گرنه مصاحبه‌کننده مایل بود تا حد امکان به همه جنبه‌ها توجه شود. البته قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان برحسب موضوع انتخاب شدند، هرچند این «انتخاب» به همان اندازه که به ضابطه‌مند بودن کار کمک کرد، باعث شد مجال گفت‌وگو با شمار زیادی از کتابداران قدیمی فراهم نیاید که امیدوارم این کتاب حامیانی بیابد، مجلدات دیگری داشته باشد و هر باتجربه‌ای که سخنی برای گفتن دارد، بتواند نظرش را بازتاب دهد.

پس از انتخاب افراد، پرسش‌ها باید طراحی می‌شد. جدا از موضوع گفت‌وگو و جنبه‌های آن، زندگی، آثار و خدمات مصاحبه‌شوندگان هم باید بررسی می‌شد؛ همین‌طور گفت‌وگوهایی که پیش از این ممکن بود با آن‌ها صورت گرفته باشد تا پرسش‌ها تکراری نباشند. پس از پرسش‌های کلی، پرسش‌های جزئی‌تر و تخصصی‌تر اضافه می‌شد. در مواردی که امکان گفت‌وگوی حضوری و شفاهی نبود، از جمله با کسانی که در ایران یا در دسترس نبودند، پرسش‌ها کتبی یا تلفنی مطرح و از این راه نیز پاسخ‌ها به دست آمد. پاسخ‌های کتبی غالباً دقیق‌تر، مستندتر و ساختارمندتر بوده‌اند.

دو گفت‌وگو در این کتاب، با لیلی ایمن (آهی) و بدری آتابای (کامروز)، پیشتر انتشار یافته و با حذف شدن بعضی توضیحات نامرتبط با موضوع کتاب حاضر در این جا بازنشر شده‌اند، ۳۱ گفت‌وگوی دیگر برای نخستین بار منتشر می‌شود، شامل ۲۶ گفت‌وگوی شفاهی و ۵ گفت‌وگوی کتبی. چند گفت‌وگوی شفاهی به صورت غیرحضوری و تلفنی صورت گرفت. برای انجام بعضی گفت‌وگوها به ناگزیر باید به مشهد، کرج و نقاطی در اطراف تهران بزرگ سفر می‌کردم. اغلب میهمان مصاحبه‌شوندگان بودم، و در چند مورد کتابداران میهمانم بودند. گاه گفت‌وگو طولانی می‌شد یا کُند پیش می‌رفت و ناگزیر بودم بارها و بارها با مصاحبه‌شونده دیدار و گفت‌وگو داشته باشم. طی سه سال زمانی که صرف این کار شد، مراحل تکمیل و تغییر متن مصاحبه‌ها متوقف نشد، و همواره مطلب جدیدی به ذهن من یا مصاحبه‌شونده می‌رسید که تغییراتی را الزامی می‌کرد. به همین سبب تاریخی که پایان هر گفت‌وگو آمده، تاریخ پایان گفت‌وگوست. متن گفت‌وگوها را باید خودم پیاده و بازنگاری می‌کردم، چون این کار هزینه داشت و طرح من غیردولتی و بدون حامی مالی بود.

ویرایش گفت‌وگوها از ابتدا تا پیاده کردن و سپردن متن به ناشر برای انجام مراحل فنی قبل از چاپ، ادامه داشت. زبان فارسی شفاهی با زبان کتبی تفاوت‌های بسیاری دارد. در گفت‌وگوهای شفاهی جملات و کلمات معمولاً ناقص، ناتمام، اضافی یا تکراری، دارای آواهای نامفهوم و گاه با حاشیه همراه است. فراوان پیش می‌آید که مصاحبه‌شونده مطالبی را به طور خصوصی با مصاحبه‌کننده مطرح می‌کند و به او تأکید می‌کند که «این مطلب منتشر نشود» یا از زبان او نقل نشود یا حرف‌هایی رد و بدل می‌شود که از متن مصاحبه خارج‌اند و باید حذف شوند. اگر به کسی اتهامی وارد می‌شد، به رغم نظر مصاحبه‌شونده، این اتهام نباید در این کتاب مطرح می‌شد. هیچ مصاحبه‌کننده‌ای امکان دفاع و پاسخگویی حقوقی در برابر اتهام‌ها را ندارد.

معمولاً در گفت‌وگو از زبان محاوره استفاده می‌شود، اما در متن کتبی این گفت‌وگوها از به‌کار بردن زبان محاوره‌ای، جز در نقل قول‌ها، خودداری شده است. به طور کلی سعی شد در حذف زواید و حاشیه‌های سخن تا جای ممکن به اصالت متن و مقصود گوینده آسیب نرسد. متن نخست بعد از آماده شدن در اختیار مصاحبه‌شونده‌ها قرار می‌گرفت تا از جنبه‌های موضوعی و محتوایی بررسی شوند. پس از بازبینی، تهیه پانوشت‌ها و نمایه آغاز می‌شد. ابتدا برای هر گفت‌وگو نمایه مجزایی فراهم آمد تا نمایه کلی حتی‌المقدور از جامعیت و دقت لازم برخوردار باشد. پس از ارسال متن ویرایش و تکمیل‌شده و همراه با پانوشت و نمایه مجزا برای مصاحبه‌شوندگان، اصلاحات لازم از طرف آن‌ها اعمال می‌شد. مرحله بعد، ویرایش نهایی و یکدست کردن رسم‌الخط و جنبه‌های صوری بود، وظیفه‌ای که باید به انجام می‌رسید. تهیه عکس و سند برای هر گفت‌وگو هم از وظایف دیگر نگارنده بود.

✱

با همه این تفصیلات، اگر نقص یا کمبودی در این اثر می‌بینید، قطعاً از ناتوانی نگارنده است، نه از کم‌کاری او. کار تاریخ شفاهی معمولاً گروهی است و پشتیبانی و حمایت نهادی می‌خواهد. در تهیه این کتاب مشکلات و محدودیت‌های بسیاری بود، از جمله: مشکل دسترسی به منابع تاریخ کتابداری، برای دریافت و مطالعه هر شماره از نشریات مورد نیاز باید یک روز از محل کارم مرخصی می‌گرفتم. قطعاً اسناد و منابع بسیاری هست که هنوز نتوانسته‌ام به آن‌ها دست یابم. برای بیشتر مصاحبه‌شوندگان، هیچ زندگینامه یا چکیده‌ای از سوابق تحصیلی و حرفه‌ای‌شان وجود نداشت و اگر هم چیزی به دست می‌آمد، خیلی محدود و ناقص بود. به رغم تلاشم برای توضیح مرز میان تاریخ شفاهی و رسمی و یادآوری این ویژگی به مصاحبه‌شوندگان، برخی از آنان هنگام ویرایش متنی که پیاده شده بود، اصرار به رسمی کردن زبان و ادبیات گفت‌وگو داشتند، در نتیجه شاید در چند مورد، زبان و ادبیات شفاهی و شخصی افراد کمرنگ شده باشد.

موضوع و افراد چند گفت‌وگوی دیگر، و حتی پرسش‌ها، تدوین و آماده شد، اما به دلایلی گفت‌وگو صورت نگرفت. قرار بود با آقایان: سیدفرید قاسمی در موضوع «نشریه‌شناسی و بخش نشریات در کتابداری و کتابخانه»، کامران فانی در موضوع «کتابشناسی و کتابخوانی در کتابداری»، جعفر مهراد در موضوع «کتابخانه‌های منطقه‌ای»، رسول جعفریان در موضوع «مدیریت کتابخانه‌های بزرگ» و شیرین تعاونی در موضوع «استانداردهای کتابداری» مصاحبه برگزار شود که امیدوارم روزی امکان انجام این گفت‌وگوها فراهم شود. شیرین تعاونی هم هر گاه به کمک‌شان نیاز داشتم و اطلاعاتی خواستم یاری‌ام کردند، ولی مایل به گفت‌وگو نبودند. دیگران هم هرکدام برای مصاحبه نکردن معاذیری داشتند.

چند گفت‌وگو را، با این‌که وقت و کار زیادی گرفت، در این کتاب نیاوردم، زیرا پاسخ‌ها غیرمرتبط و از جنس اظهارنظرهای شخصی در محافل خصوصی بودند. تعدادی مصاحبه هم در ۱۳۹۶ برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد انجام داده بودم که از همه آن‌ها در این کتاب استفاده نکردم، چون ویژگی مصاحبه‌شوندگان با معیارهایی که برای این کتاب تعیین شد همخوانی نداشت. امیدوارم روزی بتوانم آن مصاحبه‌ها را در قالبی مناسب منتشر کنم.

بدون راهنمایی و پشتیبانی استادان کتابداری، هیچ‌گاه این اثر به نتیجه نمی‌رسید. نیروی محرک من و راهنمایم در آغاز در ادامه راه، عبدالحسین آذرنگ بود. پس از او، فاطمه رهادوست که در اوایل دهه ۱۳۷۰ جزو شاگردان او بودم و مایه دلگرمی‌ام بود. او همواره چون آموزگاری صمیمی و دوستی بی‌ریا، درب خانه‌اش به رویم باز بود و هر زمان که گرفتار مشکلات می‌شدم، به من روحیه می‌داد. هنوز صدای او در گوشم هست که می‌گفت «کاری که تو می‌کنی، کار بزرگی است که هیچ‌کس در کتابداری ایران نکرده است» و این تأیید و تشویق، وظیفه‌ای بر دوشم می‌گذاشت که مجال بازاستادن به من نمی‌داد. اولین گفت‌وگویم از همان آغاز کار پایان‌نامه با نوش‌آفرین انصاری آغاز شد که تا آخرین روزهای کار هم پایان‌پذیرفت. ایشان در بسیاری زمینه‌ها، ازجمله: پیشگامان کتابداری نوین ایران، نسخه‌های خطی، ادبیات کودکان، کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های کودک و آموزش کتابداری، طرف سؤال و مشورت بوده است و برای آینده کتابداری بهترین راه را همواره نوشتن تاریخ این رشته دانسته است. نورالله مرادی، با حافظه‌ای مثال‌زدنی و مانند کتابخانه‌ای سیار، هر وقت به اطلاعاتی نیاز داشتم یا گرهی در کارم می‌افتاد، کمکم کرده است. همچنین امکان گفت‌وگو با زهرا شادمان و ماندانا صدیق‌بهزادی را او فراهم ساخت. زهرا شادمان و ماندانا صدیق‌بهزادی، با بیان ناگفته‌هایی درباره مرکز خدمات کتابداری، کتابخانه ملی و آموزش کتابداری، و معرفی شخصیت‌های مناسب برای گفت‌وگو نقش چشمگیری در بهبود کیفی کارم داشتند. ماندانا صدیق‌بهزادی ارتباط با مهرانگیز حریری را برقرار کرد. طولانی‌ترین گفت‌وگو را در چند جلسه با ابراهیم عمرانی داشتم، علتش حضور گسترده او در کتابخانه‌های دانشگاهی، انجمن کتابداری،

خبرگزاری لیزنا، ایرانداک، تهیه منابع و حوزه اطلاع‌رسانی بود. اگر این کتاب به قدر کورسویی به کتابداری در ایران، پرتو افکنده و به رشته و حرفه کتابداری معنایی بخشیده باشد، وظیفه‌ام را به انجام رسانده‌ام. معاشرت با بزرگان و استادان کتابداری، زندگی مرا سرشار از معنا کرد. این کتاب برای نگارنده به سان سیر و سفری بود که خامی‌هایی را از او زدود، مکتبی بود که روح پرسش‌گری و عطش پاسخ‌یابی را در او بیشتر برانگیخت. غلو نیست اگر بگویم او بخشی از خود و آینده حرفه‌اش را در خلال همین سیر و سفر بازیافت و از همین رو، برای همه کتابداران کشورش این آرزو را دارد که خود، نقش و حرفه‌شان، و نیز تاثیرهای عمیق و دگرسازی را که بر روند دانش و فرهنگ کشور دارند، بازبشناسند، خوب بشناسند، و به‌دور از هرگونه کبر، غرور، مبالغه، یا منافات با واقعیت، به آن ببالند. بی‌تردید کتابداران و اطلاع‌رسانان در روند رشد و توسعه همه‌جانبه کشور سهمی سزاوار دارند. تاریخ رشد و توسعه کشورهایی که مراحل پیشرفت را سپری کرده‌اند، گواه آشکار این واقعیت است.

باییز ۱۳۹۹

ابوالفضل نجاری

Najjari.abolfazl@gmail.com

www.ketab.ir